

صلى الله عليه وسلم



دانشگاه گیلان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

بررسی اسطوره شناختی سفرهای هفت خوانی در شاهنامه

نگارش

زهرا حسین نژادی

استاد راهنما

دکتر علی تسلیمی

استاد مشاور

دکتر عباس خائفی

شهریور ماه

تقدیم بہ پدر و مادر فداکارم بہ پاس سال ہا زحمت بی حد و حصرشان و برادران مہربانم

و

بہ ہمسر عزیزم، ہمراہ سفر زندگیم کہ ہموارہ مشوقم است۔

باتقدیر و تشکر از استاد فریخته و فرزانه ام دکتر علی تسلیمی که با سه صدر هدایت این پایان نامه را بر عهده گرفتند و با حضور خود،
کورسوی علم مراد مسیر روشنائی را، بنمون شدند و همچنین از استاد مشاور عالی قدردم دکتر عباس خائفی که از محضر پر فیضان بهره‌برده
ام. و با سپاس بی‌دریغ خدمت استاد گرانمایه ام خانم دکتر ثریا مصلحی که صمیمانه و مشفقانه یاری ام نموده‌اند.

در پایان از تمامی عزیزانی که در به انجام رساندن این پایان نامه نهایت همکاری را با اینجانب داشته‌اند نیز تشکر می‌نمایم و برای تمامی
این بزرگواران سلامتی و موفقیت آرزو مندم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ث	چکیده فارسی
ج	چکیده انگلیسی
فصل اول: مقدمه و کلیات	
۲	مقدمه
۳	اهمیت تحقیق
۳	بیان مساله
۴	سؤالات تحقیق
۴	فرضیات
۵	اهداف تحقیق
۵	روش تحقیق
۵	پیشینه تحقیق
۶	معرفی فردوسی و شاهنامه
۸	تعریف لغوی اسطوره
۱۰	اسطوره و تفاوت آن با حماسه
۱۱	اهمیت و کارکرد اسطوره
۱۳	روند اسطوره زدایی
فصل دوم: کریستوفر و گلر	
۱۷	کریستوفر و گلر و آثار و اندیشه های وی

- ۱۹ ----- اسطوره از نظر کریستوفر و گلر
- ۲۰ ----- کریستوفر و گلر و جوزف کمبل
- ۲۱ ----- کریستوفر و گلر و کهن الگوها
- ۲۳ ----- قهرمان
- ۲۴ ----- استاد (مرشد یا پیر فرزانه)
- ۲۵ ----- نگهبان آستانه
- ۲۶ ----- منادی
- ۲۶ ----- متلون
- ۲۷ ----- سایه
- ۲۹ ----- دغلباز

فصل سوم: مراحل سفر

- ۳۱ ----- مرحله اول: دنیای عادی
- ۳۱ ----- مرحله دوم: دعوت به ماجرا
- ۳۲ ----- مرحله سوم: رد دعوت
- ۳۳ ----- مرحله چهارم: ملاقات با استاد
- ۳۴ ----- مرحله پنجم: عبور از نخستین آستانه
- ۳۵ ----- مرحله ششم: آزمون ها، متحدان، دشمنان
- ۳۶ ----- مرحله هفتم: راهیابی به ژرف ترین غار
- ۳۷ ----- مرحله هشتم: آزمایش (آزمون بزرگ)
- ۳۸ ----- مرحله نهم: پاداش
- ۳۹ ----- مرحله دهم: مسیر بازگشت

مرحله یازدهم: تجدید حیات ----- ۴۱

مرحله دوازدهم: بازگشت با اکسیر ----- ۴۲

فصل چهارم: هفت خوان و داستانهای هفت خوانی

هفت خوان ----- ۴۴

هفت خوان واره ها ----- ۴۷

هفت خوان رستم ----- ۴۶

هفت خوان اسفندیار ----- ۴۸

هفت خوانی های گشتاسب ----- ۵۱

هفت خوانی بهرام گور ----- ۵۲

فصل پنجم: تحلیل داستانهای هفت خوانی

تحلیل هفت خوان رستم ----- ۵۶

تحلیل هفت خوان اسفندیار ----- ۶۷

تحلیل هفت خوانی های گشتاسب ----- ۷۸

تحلیل هفت خوانی بهرام گور ----- ۸۹

نتیجه گیری ----- ۹۷

پیشنهادات پژوهشی ----- ۹۸

فهرست منابع ----- ۹۹

چکیده :

بررسی اسطوره شناختی سفرهای هفت خوانی در شاهنامه

زهرا حسین نژادی

شاهنامه فردوسی دارای ظرفیت های فراوانی در پژوهش های ادبی است که مهمترین آنها جنبه های اسطوره شناختی آن است . فردوسی، شاهنامه را بر اساس اسطوره های کهن ایرانی سروده و بر این مطلب آگاه بوده است که همواره این سروده ها واقعی نیستند، بلکه رمزی و تأویلی هستند. بسیاری از اسطوره شناسان روشهایی در تأویل اسطوره ها ارائه کرده اند که یکی از آنها «وگلر» است. اما، وی از نظریات یونگ و کمبل استفاده کرده است. وگلر در کتاب «سفر نویسنده» به سفر قهرمانان اسطوره ای رو کرده است. یونگ رسیدن به خود، فردیت و کمال را از راه های خطرناکی می داند که آنها را کهن الگو نامیده است. کمبل این راه ها را با کارکردهایی که همانند کارکردهای پراپ دانسته می شود، کامل می کند و مسیری را که قهرمان باید از خانه به سوی مقصد و از مقصد به سوی خانه حرکت کند نشان می دهد . این مسیرهای خطرناک و نیز جذاب و به گونه ای رو به کمال در سفرهای هفت خوان رستم و اسفندیار و چند سفر خطرناک قهرمانان شاهنامه به چشم می خورد که سرآمی آنها را هفت خوانی می نامد. این پایان نامه به بررسی هفت خوان ها و هفت خوانی های شاهنامه بر پایه نظریه «سفر نویسنده» وگلر می پردازد و هدف معرفی چهره تازه ای از هفت خوانی هاست .

کلید واژه : شاهنامه، کهن الگو، اسطوره، سفر، هفت خوان

Abstract:

Study of Haft Khan Travels Mythologic in Shahname

Zahra Hoseinnejadi

Ferdowsi's shahname has many capacities in literature researches as mythologic aspects which are most important. Ferdowsi composed shahname on the basis of Iranian old myths and has known that such anthems are not real, but are mystic and paraphrastic. Many mythologists have provided some methods to explicate myths that Vogler is one of them. but he has used Jung and Campbell theories. In his book "author's travel", Vogler has considered the travels of mythical heroes. Jung considers receiving self, Individuality and accomplishment as dangerous methods that has called them

archetype. Campbell completes these methods by functions such as Prop functions and indicates the direction that hero should move from home to destination and from destination to home. Such dangerous and also attractive directions and towards accomplishment observe in Rostam and Esfandyar haft khan travels and several dangerous travels of shahname heroes that Sarrami calls them Haft Khani. This thesis studies Haft Khans & Haft Khanies of shahname on the basis of Vogler "author travel" theory and aims to introduce a new face of Haft Khanies.

Keywords: shahname, archetype, myth, travel, Haft Khan.

فصل اول

مقدمه و کلیات

مقدمه

اسطوره و بنیان اساطیری در شاهنامه فردوسی از اهمیت شایانی برخوردار است که می تواند بستر پژوهش در شاهنامه باشد و آثار و نتایج مفیدی به دست دهد. اسطوره شناسی دانشی است که به بررسی روابط میان افسانه ها و جایگاه آنها در دنیای امروز می پردازد.

یکی از اسطوره شناسان برجسته و صاحب نظر دوران اخیر، کریستوفر وگلر، از فیلم نامه نویسان هالیوود است. به عقیده وی تمام داستانها حاوی چند عنصر ساختاری مشترک اند که به نحوی جهانشمول در اسطوره ها، قصه های پریان، رویاها و فیلم ها، وجود دارد و در مجموع به «سفر قهرمان» موسوم است .

سفر قهرمان مجموعه عناصر محکمی است که به نحوی بی پایان از گنجینه ذهن بشر فوران می کند. مراحل سفر قهرمان را در انواع داستانها می توان ردیابی کرد که یکی از آنها هفت خوانی های شاهنامه است. رستم و اسفندیار دو قهرمان اساطیر ایران هستند. وجه مشترک هر دو انجام ماموریت های دشوار است. رستم برای نجات شاه کهنسال و اسفندیار نیز برای رهایی خواهرانش باید از هفت خوان عبور کنند.

در این پایان نامه، دو عزیمت مذکور و عزیمت های مشابه آن با کتاب «سفر نویسنده» وگلر و نظریات وی تطبیق داده شده است.

در فصل اول، پس از مقدمه با ذکر تعاریفی از اسطوره و حماسه و تفاوت آنها که به نوعی با شاهنامه ارتباط ظاهری و معنوی دارد، به معرفی فردوسی و شاهنامه پرداخته شده است.

در فصل دوم، شرح حال مختصری از کریستوفر وگلر و آثار وی آورده شده است و سپس به برخی از نظریات وی درباره اسطوره و کهن الگوهایش اشاره شده است.

پس از این مقوله در فصل سوم پایان نامه به شخصیت های کهن الگویی و مراحل سفر قهرمان پرداخته شده است.

در فصل چهارم با تعریف هفت خوانی ها و هفت خوان واره ها ، به خلاصه ای از سه هفت خوان رستم، اسفندیار و گشتاسب و هفت خوان واره بهرام گور اشاره می شود.

و بالاخره در فصل پنجم و فصل آخر پایان نامه، شخصیت ها و موقعیت های کهن الگویی هر یک از هفت خوان ها که در فصل پیش شرح داده شده بود، بر پایه نظریات و گلر در کتاب «سفر نویسنده» بررسی و تحلیل گردیده است.

اهمیت تحقیق

تحقیق حاضر جنبه تازه ای را طرح می کند که به داستانهای شاهنامه پویایی می بخشد. یعنی کتاب ارزشمند شاهنامه باید از دیدگاه های گوناگون و متنوع خوانده شود، تا ثابت شود که ظرفیت این کتاب و داستانهایش به خصوص هفت خوانی ها فراوان است. اگر اثری بتواند از دیدگاههای بیشتری مورد ارزیابی قرار گیرد، نشانه برتری آن در برابر بسیاری از آثار است.

بیان مساله

هفت خوانی های شاهنامه تا کنون از دیدگاه های گوناگونی بررسی شده است. بررسی حاضر به جنبه های سفر قهرمانی باز می گردد. داستانهای شاهنامه از آنجا که ظرفیت سینمایی شدن فراوانی دارند، مناسب تر می نماید که از دیدگاه اسطوره شناسانی که به فیلم و داستانهای سفر محور اهمیت می دهند بررسی شود.

و گلر از اسطوره شناسانی است که در ادامه فعالیت های کمبل، به سفر قهرمانی در آثار سینمایی - اسطوره ای رو آورد است. سفر قهرمان در این آثار معمولاً باید به سوی کمال و تمامیت باشد. قهرمان نباید شکست بخورد و یا به سوی انحطاط برود. اگرچه در داستانهای امروزی گاهی قهرمان شکست می خورد، اما آنها نیز از این دیدگاه بررسی می شوند. ولی داستانهای شاهنامه و امثال آن

که بر بسیاری از آثار هالیوودی اثر نهاده است، قهرمان در نهایت پیروز است . گاهی پس از پیروزی و کمال برای بهتر شدن اوضاع مردم خود باز می گردد و گاهی در همان موقعیت باقی می ماند.

سوالات تحقیق

پایان نامه حاضر به دنبال پاسخگویی به پرسش های ذیل است :

- ۱- آیا هفت خوانی ها یا هفت خوان ها سفرهای سختی دارند؟
- ۲- چگونه می توان گفت که هفت خوانی های شاهنامه دارای سفرهای اسطوره شناختی هستند؟
- ۳- آیا هفت خوان ها با عرفان و کمال انسان ارتباط دارند؟
- ۴- موفقیت قهرمانان سفرهای هفت خوانی بیشتر مرهون چیست؟
- ۵- چرا سفر قهرمانان هفت خوان ها تنها جنبه جسمانی ندارند؟

فرضیات :

- ۱- هفت خوانی ها مانند هفت خان ها سفرهای دشواری را یادآور می شوند .
- ۲- چون همه بخش های شاهنامه جنبه واقعی ندارند.
- ۳- هفت خوانی ها چه بسا از درون و نهاد انسان در جستجوی کمال حکایت می کند.
- ۴- موفقیت قهرمانان هفت خوانی بیشتر مرهون تقدیر است.
- ۵- چون قهرمانان اسطوره ای دارای جنبه های استعاری هستند.

اهداف تحقیق

۱- معرفی سفر اسطوره ای در شاهنامه فردوسی که تا کنون از دیدگاه وگلر شناسانده نشده است

۲- شناخت نقش کهن الگویی قهرمانان سفرهای هفت خوانی

۳- معرفی سفرهای هفت خوانی بر اساس نظریه وگلر

۴- بررسی چگونگی عملکرد قهرمانان برای رسیدن به هدف خود

روش تحقیق

روش پژوهش در این رساله، توصیفی - تحلیلی است که به صورت کتابخانه ای انجام شده است. سفرهای هفت خوانی بر اساس کتاب «سفر نویسنده» از دیدگاه وگلر بر پایه هایی استوار است که به ساختار گرایي نزدیک می شود.

پیشینه تحقیق

تا کنون درباره شاهنامه تحقیقات فراوانی انجام شده است، حتی از دیدگاه اسطوره شناسانی چون یونگ و کمبل پایان نامه هایی نوشته شده است. برای نمونه ، رساله دکتری سید مجتبی میران تحت عنوان فرایند فردیت در شاهنامه که در مهرماه سال ۹۰ در دانشگاه گیلان از آن دفاع شد، بدان نزدیک است، اما از دیدگاه وگلر بدان پرداخته نشده است و همان مورد هم تنها ارتباط کمی دارد.

وگلر در کتاب «سفر نویسنده» راه جوزف کمبل را ادامه می دهد. او در این کتاب به معرفی کهن الگوهای رایج در افسانه ها، اساطیر و فیلم های موفق تاریخ سینما می پردازد و ساختاری اسطوره ای را ارائه می کند.

معرفی فردوسی و شاهنامه

حکیم ابوالقاسم منصور بن حسن فردوسی طوسی، حماسه سرای بزرگ ایران و یکی از شاعران مشهور جهان و ستاره درخشانده آسمان ادب پارسی است. وی در سال ۳۲۹ هجری قمری برابر با ۳۱۹ هجری شمسی در روستای باژ از قراء طابران توس به دنیا آمد و در سال ۴۱۱ هجری قمری درگذشت و در توس به خاک سپرده شد.

«فردوسی شاعری است جهانی، آفریننده قهرمانان جاوید چون رستم و اسفندیار، سهراب و رودابه، گردآفرید و جریره، گشتاسب و کیخسرو و بسیاری دیگر. این قهرمانان دیرپای هزار سال در میان ما زیسته و چهره های برجسته جامع بشری را تصویر کرده اند» (رضا، ۱۳۵۰: ۸)

مقام حکیم فرزانه، فردوسی بزرگ در زنده نمودن تاریخ ملی و حماسی ایران و حفظ ارزشهای این سرزمین آریایی همتا ندارد. سی سال رنج او در سرودن شاهنامه که پر آوازه ترین سروده فردوسی و یکی از بزرگترین نوشته های ادبیات کهن پارسی است، دمیدن نفسی تازه در کالبد زبان فارسی بود.

فردوسی شاهنامه را بر پایه شاهنامه ابومنصوری در سال ۳۷۰ هجری قمری آغاز کرد و در سال ۳۸۴ سرودن شاهنامه را به پایان رساند.

در ایران پیش از اسلام سنت به کتابت در آوردن آثار دینی و ادبی چندان معمول نبوده است، به طوری که این آثار قرن ها سینه به سینه حفظ می شده است و ثبت آنها را لازم نمی دانسته اند، چنان که مدونان اسطوره ها و داستان های حماسی ایران مانند فردوسی علاوه بر روایات مکتوب، خدای نامه، از روایات شفاهی نیز بهره می جسته اند. (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۳)

ذبیح الله صفا نیز در کتابش «حماسه سرایی در ایران» بر استفاده سرایندگان داستان های حماسی از روایات شفاهی تاکید کرده و می گوید: «منظومه های حماسی ما از تاثیر چنین اصلی دور نیست و قسمتی از داستان ها که در این آثار می بینیم، مبتنی بر ماخذ شفاهی است و یا نویسندگان آنها از روایات شفاهی همچنان استفاده کرده اند که از روایات مکتوب.» (صفا، ۱۳۸۷: ۹۲)

شاهنامه شرح احوال، پیروزی ها، شکست ها، ناکامی ها و دلاوری های ایرانیان از کهن ترین دوران تا سرنگونی دولت ساسانی به دست تازیان است. کشمکشهای خارجی ایرانیان با هندیان در شرق، تورانیان در شرق و شمال شرقی، رومیان در غرب و شمال غربی و تازیان در جنوب غربی است. در شرح این دوره ها به دلیل اطناب و اسهاب معذوریم، زیرا قصد ما مختصر معرفی از فردوسی و شاهنامه است.

ظهور شاهنامه در ادبیات فارسی مایه پیدایش نهضت خاصی گشت که هنوز هم از میان نرفته و آن نهضتی است در نظم داستانهای حماسی و یا حماسه های دینی و تاریخی که از قرن پنجم تا قرن چهاردهم هجری به صور گوناگون ادامه یافت و وسیله ایجاد چندین اثر حماسی گشت که هیچ یک را ارزش و مقام و اهمیت شاهنامه نیست. (همان: ۲۴۴)

آنچه شاهنامه را از حماسه های ملل دیگر متمایز می کند، تنوع مطالب این کتاب پر حجم است در این مجموعه ادبی — خدای نامه یا شاهنامه — به انواع قالب های ادبی برخوردار می کنیم: اسطوره، قصه، عجائب و غرائب، چیستان، شعر غنایی، تاریخ، داستان عاشقانه، و بویژه داستان حماسی که نمونه های بارز داستان حماسی هفت خوان رستم و هفت خوان اسفندیار است. (خالقی مطلق، ۱۳۸۱: ۱۳۵-۱۳۶)

اثر عظیم همواره زاده شخصیت عظیم است، به ویژه تراژدی و داستان تراژیک که اوج عظمت های ادبی است حاصل روح بزرگ و بی آرام سوفوکلس ها، شکسپیرها و فردوسی هاست. (حمیدیان، ۱۳۷۲: ۶۵)

در پایان باید گفت: کاخ سخنی که فردوسی بر افراشت چنان با شکوه است که انسان هر چه بیشتر در زوایای آن ره یابد، شیفته تر و کنجکاو تر برای شناخت ارزشهای ملی و فرهنگی خود می شود. فردوسی در شاهنامه آرمان شهری را پیش رو می آورد که پایه هایش بر حق و عدالت و مهر و فداکاری و از خود گذشتگی استوار است. شاهنامه، بزرگترین وجه تعرفه و شناسنامه ملیت ایران است که برای مردم ایرانی نژاد شاهنامه فردوسی بزرگترین گنج خانه فرهنگ و هنر است.

فردوسی شاعری انسان دوست و جهانی است. همچنانکه در جهان آفرینش زیباییهای بیرون از حد ماه وزمین و کوه و دشت و دریا را می بیند همانطور هم خوبی و زیبایی جهان درون انسان ها را درک می کند. از کردار نیک شاد و از کژی های بشر دردمند می شود.

اندیشه های بلند فردوسی و گنجینه فناپذیری - شاهنامه - همواره همچون خورشیدی بر آسمان تاریخ اندیشه و ادب این سرزمین می درخشد .

تعریف لغوی اسطوره

در زبانهای اروپایی، واژه myth در انگلیسی و فرانسه، myth و mythe در آلمانی، از نظر محتوای معنایی برابر اسطوره و حالت جمع آنها برابر واژه اساطیر در زبان پارسی است. و اصطلاح mythology در هر سه زبان، برابر اساطیر، علم الاساطیر، یا اسطوره شناسی، در زبان ماست. (بهار، ۱۳۷۵: ۳۴۴)

اصولاً متفکران و اسطوره شناسان نگاه های متفاوتی نسبت به اسطوره داشته اند و هر یک از آنان بر اساس نگرش خاصی به تعریف اسطوره پرداخته اند . چنانچه اسطوره شناسان بزرگی چون فروید و یونگ از دریچه روانشناسی، میرچا الیاده با نگاه دین شناسانه و کریستوفر وگلر با نگاه نویسندگی و فیلم نامه نویسی به تعریف و تحقیق و تفحص در این امر پرداخته اند .

میرچا الیاده می گوید: «اسطوره نقل کننده سرگذشتی قدسی و مینوی است ، روای واقعه ایست که در زمان اولین ، زمان شگرف بدایت همه چیز ، رخ داده است » (الیاده، ۱۳۶۲: ۱۴)

لارنس کوپ در مقدمه کتابش «اسطوره» چنین می آورد : «اسطوره از اعمال موجودات فرا بشری نظیر خدایان، نیمه خدایان، قهرمانان، ارواح یا اشباح سخن می گوید؛ فراتر از زمان تاریخی است و در زمان ازلی یا ابدی یا در جهان فرا طبیعی روی می دهد. (کوپ ، ۱۳۸۴ : مقدمه)

اسطوره پیش از آنکه اندیشیده و بیان شود، احساس (و تجربه) و زیسته شده است . اسطوره کلام است، تصویر است، حرکتی است که حدود واقعه را در قلب نقش می کند، پیش از آنکه در قالب روایت و حکایتی ضبط و ثبت شود. (باستید، ۱۳۷۰: ۴۵)

بتلهایم معتقد است، اسطوره، بیان گر قدرتی فرا طبیعی است و نیروی آسمانی در قالب ابر مردی که پیوسته از آدیان فانی توقعاتی دارند، حضور، درد و تجربه می شود و ما میرندگان هر قدر تلاش کنیم تا مانند این قهرمانها شویم، همیشه و به نحوی آشکار فرو دست آنان خواهیم ماند. (بتلهایم، ۱۳۸۶: ۳۱)

یونگ در کتاب معروف خود به نام «روح و زندگی» می گوید: «اسطوره ها در اصل مکاشفه های روح پیش از خودآگاهی هستند و تابداتی غیر ارادی در مورد واقع های روانی ناخودآگاه و تنها، تمثیل رخدادهای روانی اند. (یونگ، ۱۳۷۹: ۴۱۳)

رابرت گریوز، شاعر و نویسنده بریتانیایی و پژوهشگر اسطوره (۱۹۸۵-۱۸۹۵) می گوید: «اسطوره ها داستانهایی نمایشی هستند که یک شخصیت مقدس خلق می کنند؛ یا از رهگذر تداوم بخشیدن به نهادها، آداب و رسوم، آیین ها و باورهای کهن در بسترهای جاری کنونی، یا از طریق پذیرش تغییرات آنها. (بیرلین، ۱۳۸۶: ۳۴۸)

هر چند اسطوره ها در جزئیات بسیار متفاوتند، اما هر چه بیشتر موشکافی کنیم، بیشتر متوجه می شویم که ساختارشان بسیار شبیه یکدیگرند و گرچه توسط گروه ها یا افرادی که هیچگونه رابطه مستقیم فرهنگی با یکدیگر نداشته اند آفریده شده اند اما همگی الگویی جهانی و مشابه دارند. (یونگ، ۱۳۵۲: ۱۶۲)

« اسطوره، توصیف و روایت خیالی باورهای مقدس آیینی شده جماعت های ابتدائی است، درباره جهان طبیعی و رویدادهای واقعی و ناشی از تلاش وی برای سامان دادن رابطه خود در جهان » (ارشاد، ۱۳۸۶: ۲۰۹)

این تعاریف، خلاصه و چکیده مهمترین تعاریف و نظریات نظریه پردازان و اسطوره شناسان در باب اسطوره است در حالی که اسطوره گستره وسیع تری را در بر می گیرد، اما این قلم و این صفحات را توان و گنجایش بیان آن نیست.

اما در این تعاریف که ارائه شد، چند ویژگی اسطوره قابل تأمل است، نخست اینکه اساطیر حکایاتی قدسی و مینوی هستند که در زمان ازلی رخ داده اند، پس زمان اساطیری زمان مقدس و کاستی ناپذیر است. از سویی دیگر، اساطیر روایاتی است مربوط به موجودات فوق طبیعی مانند خدایان و نیمه خدایان و قهرمانان اساطیری، سوم اینکه اساطیر بازگوکننده باورهای عمیق و مقدس فکری - فرهنگی

قومیت ها و انسان های ابتدایی درباره جهان هستی هستند و سرانجام اساطیر تمثیل رخدادهای روانی ذهن آدمی هستند که در زمان های مختلف بروز می کنند.

اسطوره و تفاوت آن با حماسه

حماسه حاصل اسطوره است که در گذر زمان از آن به در آمده، پرورش یافته و جاودانه گشته است. کزازی می گوید: «اسطوره مامی است که حماسه را در دامان خویش می پرود» (کزازی، ۱۳۸۸: ۲) در اینجا قصد داریم علی رغم پندارهای عامیانه که به خطا میان اسطوره و حماسه فرق نمی نهند، تفاوت این دو نوع ادبی را بیان کنیم .

«اسطوره به نوعی خودش از انواع ادبی و هنری است زیرا کارکرد مستقل و تعریف مشخص دارد و آثار متعددی در این نوع ادبی و هنری آفریده شده است . مهم ترین ویژگی اسطوره، قداست و ازلیت آن است. شخصیت های اسطوره ای، ایزدی، آسمانی یا نیمه ایزدی و گاهی اهریمنی و دیوی هستند، اما به هر صورت فراطبیعی هستند. از این نظر، فرق اسطوره با حماسه، این است که حماسه برخلاف اسطوره دارای قداست نیست، بلکه جنبه تاریخی داشته، از این رو، محبوبیت تاریخی- قومی دارد . حماسه سرگذشت پهلوانان و منجیان تاریخی یک ملت است . پس عنصر قداست در اسطوره به محبوبیت و عنصر پهلوانی بدل شده است . (ارشاد، ۱۳۸۶: ۴)

شفیعی کدکنی چهار ویژگی برای حماسه برشمرده است که عبارتند از: زمینه داستانی، زمینه قهرمانی، زمینه ملی، زمینه خرق عادت، که به طور کلی، این چهار ویژگی جزء جدانشدنی اسطوره نیز هست. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۹)

«جدایی حماسه از اسطوره در سرشت و گوهر آن نیست، تنها در این است که حماسه بیش از دیگر بنیادها و مایه های اسطوره، سمت آن را یافته است که راه به قلمرو جاودانه هنر بکشد و جامه یی از شعر در برکند و در سایه ادب و افسون های آن جاودانه شود. (کزازی، ۱۳۸۵: ۱۸۳) با توجه به این مقدمات مشخص می شود که حماسه ها روایتگر اعمال قهرمانان و جلوه گر آراء و

عقاید یک ملت پس از شکل گیری تمدن است و به نوعی به یک زمان معین و مشخص اختصاص دارد و از این نظر، حماسه با اسطوره تفاوت دارد.

از طرفی دیگر، اسطوره به نوعی به شناخت و تلقی عاطفی از انسان و جهان او گرایش دارد و حماسه که مرز بین اسطوره و تاریخ است به شناختی عقلانی تر نزدیک تر می شود. به عبارتی دیگر، حماسه تا حدودی در تاریخ جای دارد. به گفته پورهادی «حماسه در بین اسطوره و تاریخ جا دارد و شاید وجه تاریخی- اسطوره ای حماسه سبب شده است که انسان تاریخمند آن را با وجه استعاری قرائت کند.» (پورهادی، ۱۳۸۶: ۱۸)

سجاد آیدنلو در باب تفاوت اسطوره و حماسه چنین می گوید: « اسطوره گزارشی از انگاره های ذهنی انسان باستانی درباره جهان و موجودات است، اما حماسه، روایت ذهن همان انسان در دورانی متأخرتر با نیازها و ویژگی های دیگر که در عین حال بعضی از معتقدات و مایه های دیرین اساطیری و گاه نیمه مقدس خود را - و اغلب به صورت ناخودآگاه - در ضمن سرود ها و داستان های حماسی نگه داشته است. » (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۲۶)

از آنچه که گفته شد، می توان چنین نتیجه گرفت که اسطوره از جنبه قدسی و مینوی برخوردار است و در زمانی ازلی و قدسی شکل گرفته است مانند فریدون که شخصیتی اسطوره ای و مینوی است. اما در حماسه بیشتر عنصر قهرمانی و رنگ ملی نمود دارد و در زمانی تاریخی پدید آمده است، مانند رستم که قهرمان ملی است و با دشمنان ایران پیکار می کند. بنابراین، اسطوره ها نسبت به حماسه ها از قدمت بیشتری برخوردارند .

اهمیت و کارکرد اسطوره

برای برشمردن اهمیت و کارکرد اسطوره ، آن را به دو بخش می توان تقسیم نمود: نخست اهمیت و کارکردی است که اسطوره برای انسان عصر اساطیری داشته است و دوم اهمیت و کارکردی است که برای انسان عصر امروزی می تواند داشته باشد .